

شهید یوسف قربانی




ازبائری
سازمان جامع سوادداری و وزارت معیاد استان بوشهر

نام پدر	ابراهیم
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۰۶/۰۶
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۷/۲۸
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	فرمانده گروهان
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	بوشهر

زندگینامه

در روز ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۳ در خانواده ای فقیر و مذهبی فرزندی چشم به جهان گشود و او را یوسف نامیدند. وی در سن ۶ سالگی به مدرسه رفت و مشغول فراگیری علوم شد او در همان سن کودکی علاقه خاصی به خاندان نبوت داشت و در سن هشت سالگی خواندن قرآن را شروع نمود. نمازها را هیچوقت ترک نمی نمود او فردی بود مظلوم و از همان اوان کودکی سربزیری و مظلومیت در چهره نورانی شهید هویدا می نمود. برادر شهید مان یوسف قربانی در کلاس دوم راهنمائی بود که کم کم آتش زیر خاکستر انقلاب داشت هویدا میشد. از بدو انقلاب همگام و همراه با بقیه برادران در تمامی راهپیمائی ها و تظاهرات و پخش اعلامیه و تکثیر نوار و پخش آن شرکت فعال داشت با تمامی این مسائل شاید بتوان گفت خانه یوسف مسجد شده بود فعالیت وی ادامه داشت تا اینکه انقلاب شکوهمند اسلامی شاهد پیروزی را در آغوش گرفت و وی نیز با سیل خروشان امت به پیشواز انقلاب و امام شتافت همیشه اوقات هم و غم این شهید راست قامت انقلاب و امام بود شهید بیشتر وقتها به نیابت پیشنماز مسجد امیرالمومنین (ع) بود اکثراً در دبیرستان و در جبهه نیز با اسرار برادران پیش نمازی را متقبل میشد با تشکیل ارتش بیست میلیونی با کلیه همزمان هم محلیش در بسیج مسجد امیرالمومنین (ع) شروع به فعالیت نمود روزها و شبها خانه را نمیشناخت این را تمامی اهالی کوی مسجد از امیرالمومنین (ع) میدانند که یوسف فرزند اسلام و مسجد بود نمازهای شبی را با آن قد و قامت سنگر را هرگز برادران هم سنگرش و در مسجد و جبهه فراموش میکنند در جواب سؤال که از او میپرسیدند چرا شبها سری به منزل نمی زنید او همیشه در جواب بگفت اسلام برتر از هر چیز و هیچ چیز برتر از اسلام نیست در سال ۵۸ که بنی صدر خائن کاندیدای ریاست جمهوری شده بود به خانواده اش متذکر میشد که به بنی صدر رای ندهید او یک خائن است و در حقیقت که حرف او نصایح او درست از آب در آمد. جنگ تحمیلی شروع میشود و اکنون اسلام در خطر است و وی تاکید داشت که به فرمان امام بید جبهه ها را گرم نگهداریم با اول به مدت چهارماه در جبهه جنوب غربی (زبیدات) به همراه است از کیان اسلامی و انقلاب پرداخت در پایان مأموریت در مسابقه قرآنی که از طرف تبلیغات تیپ امام سجاد بر پا میشود اول شده و بدیدار آیت الله منتظری میروند و بعد از اتمام مأموریت بموطن باز می گردد. بعد از اتمام امتحانات به زیارت حرم امام رضا (ع) شتافتند بعد از برگشتن یک هفته در بوشهر بودند و باز راهی سرزمینهای (خونرنگ) گردیدند او میگفت بید گمنام ماند حتی مرحله دوم که میخواست به جبهه عزیمت نماید هیچ از رفقا و دوستان را بر نداد این نشانه ای از بی ریائی و گمنام بودنش بود با گردان والفجر به منطقه جنوب اعزام شدند و

بعد از دو ماه به منطقه غرب (کردستان) روانه گردید در یکی از شبهای قبل عملیات والفجر چهار تا صبح در مسجد مقررشان بیدار بودند و با خدای خویش راز و نیاز میکردند حتی فرمانده واحد شان هر چه اصرار می کند برگردد و ساعتی استراحت کن چون عملیات در پیش است ولی باز شهید همانجا تا صبح میماند و یا گریه وزاری و نماز شب با خدای خویش راز و نیاز می کند تا اینکه عملیات افتخار آفرین و الفجر چهار آغاز و در حین عملیات در منطقه بانه ۱۱ مریوان به دیدار معشوق می شتافتند.

وصیت نامه

بسمه تعالی

وصیت نامه شهید یوسف قربانی

بسم الله الرحمن الرحيم

یا ولی المومنین ویا غایه آمال العارفین یا غیاث المستغیثین ، یا حبیب قلوب العبادتین ویا اله العالمین.

ای صاحب اختیار مومنان ، ای نهایت آرزوی عارفان ، ای فریاد رس فریاد خواهان ، ای محبوب دل‌های راستگویان وای خدای جهانیان ، گواه باش در این دنیا به ظاهر تنها زیسته ام ولی تو را بهترین دوست با آمال‌ها و عشق‌ها یافتیم ، پس مرا به سوی خودت فراخوان ، شاهد باش که از تمامی مظاهر مادی بریدم تا به تو پیوندم ، خدایا شاهد باش که با عشق به تو در مسیر تو حرکت کردم ، اینک فقط پیوستن به تو را انتظار دارم خدایا من خواهان شهادتیم ، نه به این معنی که از زندگی خسته شده ام و یا خواسته باشم که از این دنیا فرار کنم ، بلکه می‌خواهم گنا‌هانی که انجام داده ام به وسیله رنج کشیدن در راه تو ریختن خونم به خاطر تو پاک گردد. من می‌خواهم شهید شوم تا اگر زنده ام موجب رشد دیگران نشد. خونم بتواند این موضوع را جبران کند و درخت انقلاب را آبیاری نماید می‌خواهم شهید شوم تا خونم به علی علیه السلام و امام حسین (ع) گواهد دهد که رهرو راهشان بوده ام ، ای بهترین دوستان و یاران و عشق‌ها ، مرا دریاب ، من جوانی گنه کار و غافل هستم از دیار عاشقان خسته می‌آیم که شاید مرا بپذیری ، ای معشوم مرا فراخوان که دیگر نمیتوانم صبر کنم. چه سخت است آنگاه که بی ندو دوست صمیمی جدائی می‌افتد و چه سخت است آن موقعی که یک رهرو به مقصد نمیرسد پس خدایا این سختی‌ها را از دوش من بردار . مادرم در شهادت‌م گریه نکنید . همچون زینب (س) شجاع باش و به دیگر مادران شهدا نصیحت کن و دل‌داری بده ، مادرم اگر نمیتوانم بینمت مرا حلال کن و از تو معذرت می‌خواهم که نتوانستم وظیفه ام نسبت به تو انجام بدهم . در این لحظات آخر احساس می‌کنم که دیگر بین شما برادران نخواهم بود خیلی می‌خواستم که یک بار دیگر حرم امام رضا (ع) را زیارت کنم ، برادرانم و دوستانم در سنگر علم و مدرسه فعالانه بکوشید و درس را با هدف بخوانید ، هدفی در جهت رشد به سوی الله ، یعنی درس خواندن برای خدای تبارک و تعالی باشد. درس نخواندن شما خیانت به جامعه و ملت مستضعف ایران و به آینده ایران اسلامی است. امروز ایران ما ، اسلام ما ، به جوانانی که بتوانند بوسیله نیروی لایق خود دست به ابتکار بزنند نیاز داد ، امروز صدور انقلاب و در سطح بین المللی احتیاج به فرهنگ غنی اسلامی دارد . پس ای دانش آموزان بکوشید در همه زمینه‌ها و نه تنها در زمینه درس رشد کنید ، امروز دنیای مستضعف تنها امیدش انقلاب اسلامی ایران است. اگر در شهرهای غیر جنگی زندگی میکنید باید بدانیم در مقابل خون شهیدان مسئولیم و در محیط‌های انجمن اسلامی باید جوانان روزی رشد افراد کار کنند و به امر به معروف و نهی از منکر ، برنامه صحیح ، تشکیل گردهمایی که بتوان روی آنها از هر نظر کار کرد توجه کنند ، برادران و دوستان گرامیم ، در مسائل اسلامی تکیه کنید ، همیشه در فکر رشد دیگران و خود باشید و سعی کنید بیشتر به یاد خدا باشید و رابطه خود را با او نزدیک کنید و مبدا دوستی‌های این دنیا باعث غفلت‌مان نشود و جزو غافلین باشیم ، پس همیشه سعی کنید نفس خود را تحت فشار قرار دهید خود را با سختی‌های جامعه وفق دید ، به یاد افراد سطح پائین جامعه باشید و به «ها کمک کنید ، امام آنها را خیلی دوست دارد ، همانگونه که فرموده اند یک موی آنها را چقدر ارزش قائل شده اند ، امیدوارم که بزودی زود انقلاب ما در جنگی که به او تحمیل شده است . پیروز گردد. و ضربه‌های نهائی خود را بر ارتش رو به زوال صدامیان وارد کند و خدایا از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر کبیر انقلاب اسلامی بیفزای. امیدوارم که خداوند مرا ببخشد. که از شهیدان درس نگرفتم.

والسلام

يوسف قرباني



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران